

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0640

<http://hdl.handle.net/2333.1/00000017>



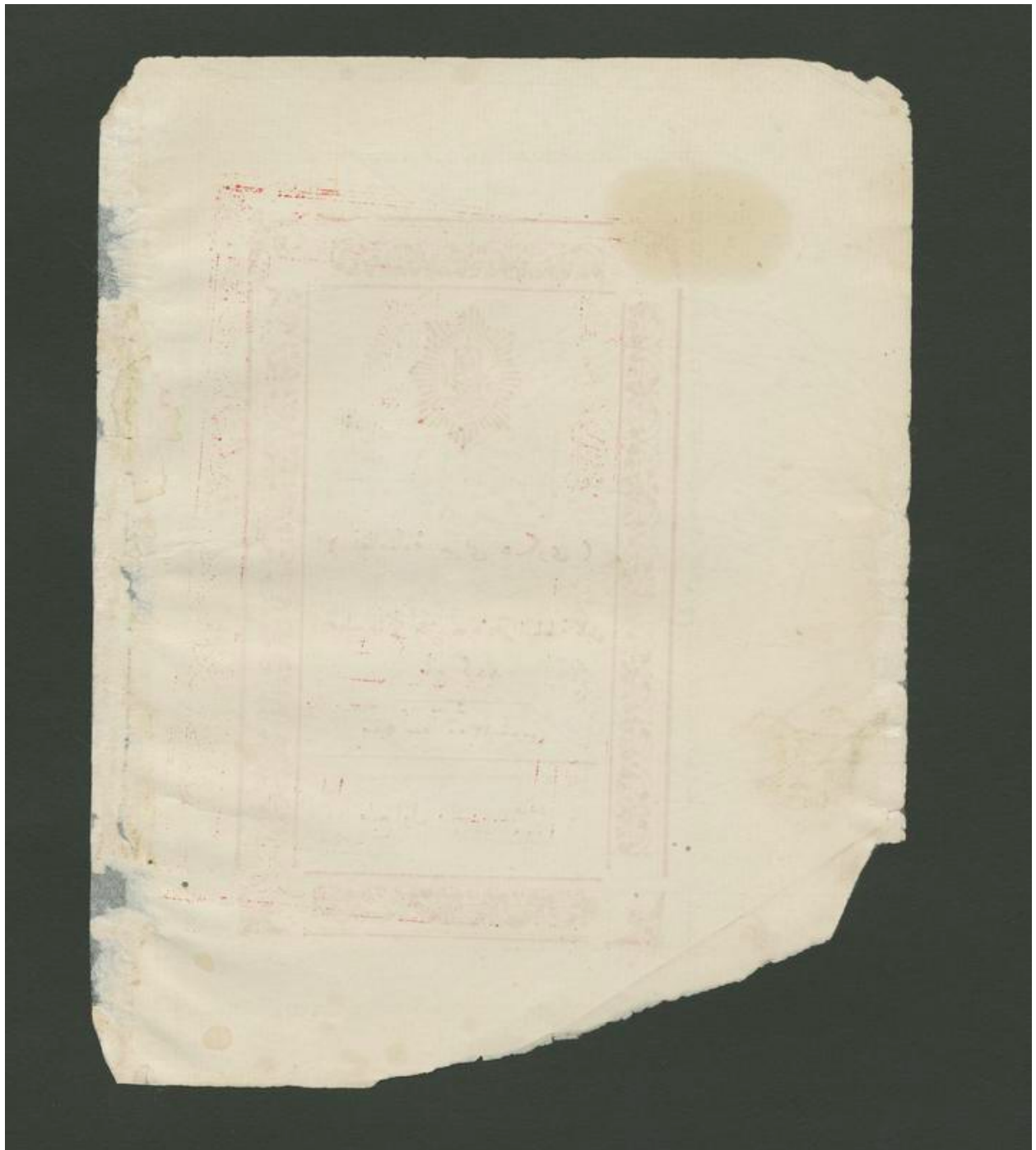
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







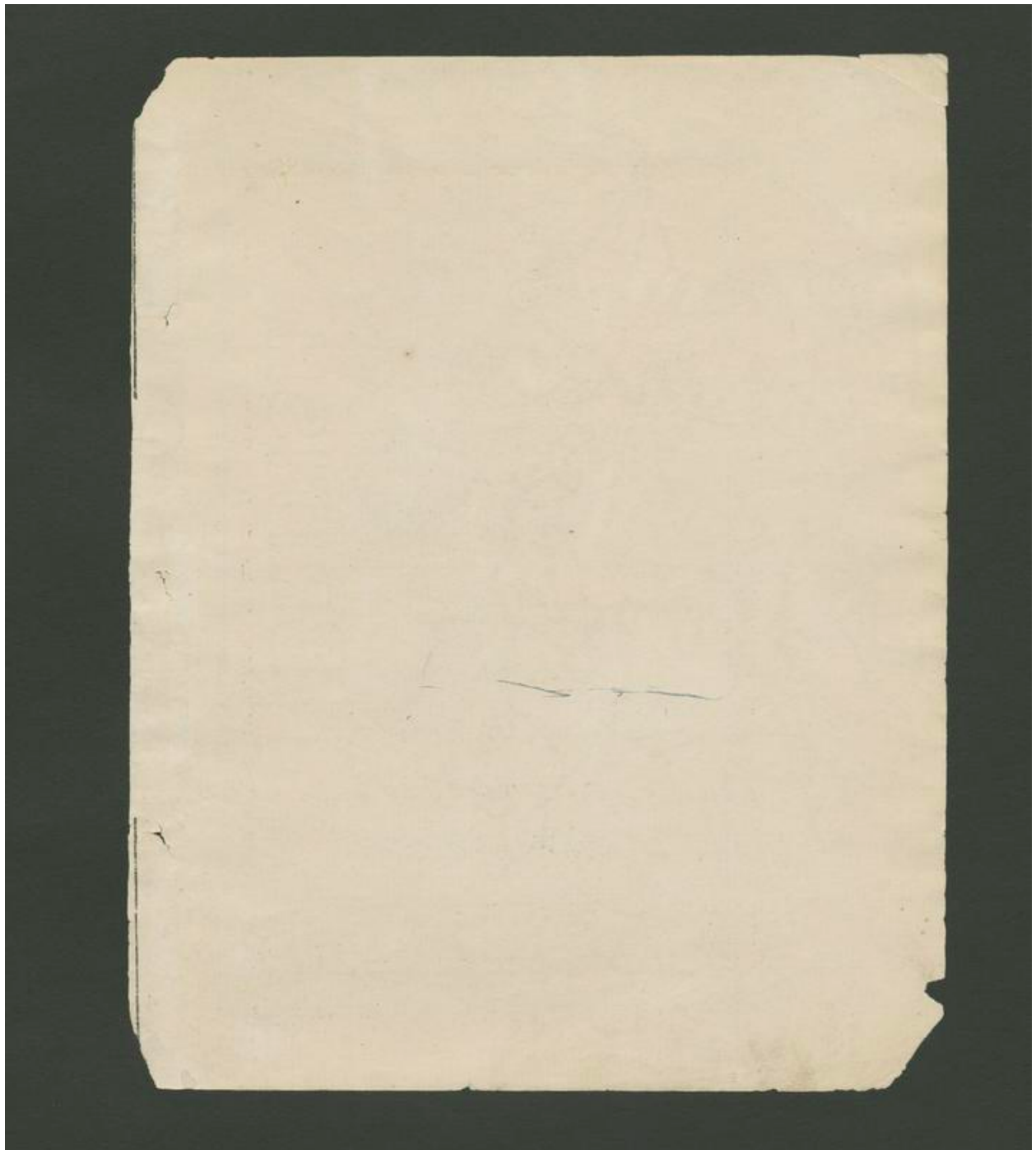
نَظَرِ نَامِ مِثْلا

جَزَائِعِ عَسْكَرِی

در مطبع سنکی ماشینخانه دارالاسطغنه کابل طبع گردید

سنبله - ۱۳۰۰ شمسی

طبع اول ————— ۱۰۰۰ جلد



بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه جزای عسکری

باب اول

مُقَدِّمَةٌ

فصل اول

(قواعد عمومی)

قاعده

۱. — محاکمه منصبداران و سپاهیانیکه بالفعل در اردو و افغانستان خدمت میکنند، و نامورین مملکت که در دوازه عسکری مستخدم میشوند دیوان حرب تا ابرایشود، و محاکمه سپاهیان و منصبداران کوتوالی و پولیس نیز کذا لک در دیوان حرب تا یکم پایشان مخصوص است رؤیت میگردد.
۲. — دیوان حرب تا در حق مجرمین بموجب نظامنامه جزای عسکری

تعیین جزای نمایند، و جزای جرایم که درین نظامنامه ذکر
نشده اند نظر نظامنامه جزای ملکیه تحدید میشود.

۳. — جرایم که در مابین نظامیان و کسانی که نظامی نباشند ظهور کند
محاکمه آن در محکمه های عدلیه رؤیت میگردد، و اگر نظامیان
با چند نفر غیر نظامی در خارج خدمت عسکریت یک جرعه را که
بنظام تعلق نداشته باشد مشترکاً ارتکاب نمایند، محاکمه ایشان
نیز در محاکم عدلیه اجرا می یابد و فقط محل افاض جزای که در حق
عسکر به صادر گردد جهت عسکریت است، هرگاه جرمیکه ارتکاب
کرده اند از جمله جرعه های باشد که در فصل (نهم) باب (دوم)
این نظامنامه تصریح و توضیح گردیده است، محاکمه کافه آنها
در دیوان حرب رؤیت می یابد.

۴. — در دیوان حرب ما دعوی های حقوق پذیرفته نمیشوند، و عملاً
بر آن دیوان حرب ما در باره دعوی های حقوق شخصیه اعطای
حکم نمی نمایند، و در صورتیکه اینچنین یکت معالیه پیش افتد،
برای حکم تعیین حقوق شخصیه اوراق دعوی را بمحاکم عدلیه می پازند.

۵. — مجازات عسکر تا نیکه نظام است مالیه و ملکیه مخالفت کنند
 بموجب قاعده تا نیکه در نظام نامه های آن تصریح گردیده اند
 حکم میشود. فقط از سلاح اندازان جزای نقدی گرفته میشود
 و بر طبق نظام نامه جزای بلکته سلاح اندازانیکه بجزای
 نقدیه محکوم گردند، جزای نقدی شان بحبس تحویل مییابد
 باین طریق که برای پنجروپیه اول (فی روپیه یکروز) و علاوه
 بر پنجروپیه اول (برای هر پنجروپیه دیگر یکروز) محبوس میماند،
 مگر از سلاح اندازانیکه از سبب دیت، رشوت و غیرت
 و ارتکاب سائره بجزای نقدیه محکوم گردیده باشند جزای
 نقدی گرفته میشود.

۶. — جرمهای نیکه قانوناً مستلزم مجازات اند بر سه نوع است،
 اول قباحات، دوم جنم، سوم جنایت.

۷. — قباحات مستوجب مجازات تکذیریه، جنم مستوجب مجازات
 تأدیبیه، جنایت مستلزم مجازات ترمیمیّه جرمهای هستند.

۸. — مجازات تکذیریه در باره کاف و منکر و غیره سکرته، از ۲۴ ساعت

ذکر

بگویند

بیان

اگر

ایشان

در حق

بکتاب

دوم

آنها

و علا

و علا

و علا

و علا

و علا

و علا

تا ۴ روز جزا است، و در باره سلاح اندازان
از سه چوب تا پانزده چوب جزا است ضرب، و جزا موقوف
رتبه است خورد ضابطان هم از مجازات تکذیریه است.

۹. — مجازات تأدیبیه در حق منصبداران عبارت است از جزا

موقوفیت از رتبه عسکریه ایشان، و در باره همه منصبین

عسکریه [از چهل و پنجاه تا سه سال حبس عادی] و بر آ

سلاح اندازان جزا است ضرب است [از پانزده چوب

تا هشتاد چوب]

۱۰. — مجازات تریبیه در حق عموم منصبین عسکریه عبارت است

از جزا است حبس [از سه سال تا حبس دوام و اعدام]

۱۱. — جزا است حبس که متعلق است به مجازات تکذیریه، بنام

نظرنندی و حبس ریاضت دو نوع است، حکم نظرنندی که

در حق منصبداران صادر گردیده باشد در حالیکه در کونه خود

بوده بر دروازه خودشان یک نفر بهره دار معین باشد جزا

و حبس ریاضت در درون چهار دیواری در یک کونه که بر آ

منصبداران حبس خانه اتخاذ گردیده، در حالیکه در دروازه
 آن یک پهره ایستاده باشد ایضا می یابد. و سلاح اندازان
 بحبس ریاضت محکوم گردیده باشند، منفرد یعنی تنها
 تنها حبس میشوند، و منصبداران و سلاح اندازانیکه بحبس
 ریاضت محکوم گردیده باشند در روز تنها دو پاو (نان
 خشک) و بقدر ضرورت آب داده میشود، غیر از این دیگر
 رقم خوراک و چای و تنباکو و قهوه و از قبیل آن دیگر کیفیات
 داده نمی شود.

۱۲ — کسانی که از جمله خورد و خوراک و دگرگی مشران از سه چوب
 تا پانزده چوب بجز این ضرب محکوم گردیده باشند، در
 پیش روی هم رتبه نام خود مجازات میشوند، چون این
 مقدار بجز این ضرب و جز این حبس از بیست و چهار ساعت
 تا چهل و پنج روز مستوجب موقوفیت رتبه شان میگردد.
 و بر این اینکه قدر و قیمت ایشان در نظر پاسبانان نقصان
 پذیرد جز این ضرب شان در پیش پاسبانان اجرا نمیشود.

۱۳. — کسی که از جمله سلاح اندازان بجز اسلحه ضرب محکوم شوند،

بایک چوب صاف بے شاخه کپنج بدست دراز و لکی آن

بقدر انگشت کوچک باشد زده میشوند، جز اسلحه ضرب

درجه صغیر حرب توسل و یا کند که محکوم به آن فسوت

و در پیش روی منصبداران نوکری و اسلحه همان توط

و کندن ابرایشود .

۱۴. — خور و ضابطان و لکی مشرانیکه بجازات تا ویتیه محکوم گردید

باشند رتبه شان موقوف میشود، و تا زمانیکه دو سال

بجیت یک سپاهی خدمت عسکریه را ایفا نکنند و با

ترفع نمیشوند، خور و ضابطان و لکی مشرانیکه رتبه شان

ساقط گردیده بجز اسلحه ضرب محکوم شده باشند در پیش

هیئت عمومی قطع که آن فسوند زده میشوند .

۱۵. — منصبدارانیکه یک سال و یا زیاده بر آن بجز محکوم گردید

باشند، در عین زمان بجز اسلحه موقوفیت از خدمت

عسکریه محکوم میشوند .

9

۱۸۔ حکم ہے موقوفیت منصبدارانیکہ بجز اے موقوف فی محکوم

گردیدہ باشند بر وجه ذیل اجراء پذیرد:-

اولاً - منصبداران سلاح اندازان غنڈو یا کندیکہ منصبدار

محکوم بآن منسوب است، بے سلاح گردیده در محکم

چهارونی و یاسیدان تعلیم اجتماع میکنند .

ثانیاً — بشرطیکہ بر بالاسر منصبدار محکوم ہرچ کی از علالت

عسکری موجود نباشد، و در حالیکه در محافظت یک

قطعه مسدود پنجاه نفری عسکری بوده باشد به جهت

صفِ حربِ این عسکر آورده میشود.

ثالثاً — یکی از اعضا همان میوان عربیکه حکم طرد و باره او

واده است مضبوط دیوان عرب را با صورت

فرمانیکه از طرف اشرف پادشاهی تصدیق آنرا

حاوی بوده است قرائت میکند .

رابعاً — اگر مطرود علاوه بر این بجز آب جسم هم محکوم گردید باشد بر آب

پورو کردن جزا خود را در حبس خانیه بکلیه بکوتوالی تسلیم بشو

۱۷. — سلاح انداز اینکه بجز اسب ضرب از پانزده چوب الی ششاد
چوب محکوم گردیده باشند پیش از اجرا یا فتنه بجز ضرب ششاد
بطیب معاینه گناییده میشوند اگر محکوم بیار باشد، بعد از
رفع و از الی بیماری بجز امیرسد.

۱۸. — خواه سلاح اندازان خواه منصبداران که زیاده از یکسان بجز
جس محکوم گردیده باشند، در جس خانه کو تو الی بایق
تت جس شان مجبورند و اینچنین اشخاص از خدمت جلیل
عسکری هم محروم میگرددند.

۱۹. — جزا اسب اعدام هرگاه موافق بنظامنامه جزا اسب عسکری
از دیوان حرب صادر گردیده باشد، طرز اجرا اسب حکم که
در انبساط اده شده باشد بوجه ذیل اجرا میگردد. —
اولاً — همان غنچه و بالندیکه محکوم بدان منسوب است
گردیده در محلیکه «میدان سیاست» مقرر گردیده
باشد فراهم کرده میشود.

ثانیاً — در حالیکه بر محکوم هیچ یکی از لباس و علامات عسکری

موجود نباشد در وقت محافظت یک قطعه مسکه پنجاه

نفری میدان سیاست یعنی قتل گاه آورده شود.

ثالثاً — یکی از اعضا سی و همان دیوان حرب که در باره او

اعطای حکم نموده، اعلام حکم را با فرمان بایونی

که از تصدیق میکند جبراً میخواند.

رابعاً — چشم های محکوم را بسته محل مخصوص برده شود

و در آنجا یک قطعه دوازده نفری که از نشانی ها

بسیار ماهر و مکل که از اول احضار گردیده اند

از طرف توسط مشرف نوکری و الا با اشارت دست

بر بالا سی و محکوم حکم آتش داده میشود، نشانی تعیین

بر سینه محکوم نشان گرفتن آتش دادن مجبورند.

۲۰ — محکوم پیش از آنکه میدان سیاست آورده شود، بالائی

آبدست کنانیده دو رکعت نماز خوانده میشود، و بواسطه امام

کندک که در آنجا موجود میباشد توبه و استغفار با او خوانده

دستور یا در بیشتر وقتش از او پرسیده میشود.

۲۱. — در روزهای جمعه و سایر ایام مبارکه و مخصوصه حکم اعدام اجرا

نمی شود.

۲۲. — اگر حکم اعدام بر طبق نظامنامه جزایه ملکیه از طرف دیوان

و یا از طرف محکمه عدلیه داده شده باشد در اول امر بطریقیکه

در قاعده (۱۵) بیان گردید، بعد از آنکه عامل موقوفتش

در پیشرو قطعه عسکریه که بآن مبوب است اتمام پذیرفت

برای اینکه حکم اعدام موافق با اصول ملکیه اجرا یابد، خودش

بکوتوالی تسلیم کرده میشود.

۲۳. — مجرمین عسکریه که زیاده از یکسان مجسم محکوم گردیده باشند

بعد از آنکه بکوتوالی سپرده شوند، مثل محکومین ملکیه مدت جزایه

خود را ايفا و اكمال نمایند.

۲۴. — یک شخصیکه بروی چندین جرم بیگانه گناه ثابت شوند،

از جمله آنها بموجب همان جرمیکه مستلزم جزایه سنگین تر باشد

حکم در باره و س صادر میگردد.

۲۵. — تخفیف جزایه محکومین عسکریه فقط از جمله حقوق پادشاهی است.

۲۶ — حکم جزای جرایمیکه از نوع جنحه و جنایت باشند خاص در

حضور دیوان حرب بالمحاکم صادر میگردد.

۲۷ — برای جرایمیکه از نوع قباحات باشند صاحبان هر رتبه درباره

ماستحان خود بر وجه ذیل اختیار و ادن امر مجزا دارند:

اول — سپه سالار، نائب سالار، فرقه مشران، لوا

مشران درباره منصبداران ماستحان شان [از

بیست و چهار ساعت تا چهل و پنج روز نظربندی

و حبس ریاضت]

و درباره سلاح اندازان [از بیست و چهار ساعت

تا چهل و پنج روز نظربندی و حبس ریاضت، و از

سپه چوب الی پانزده چوب ضرب]

سپه سالار اختیار بر رفع رتبه خود ضابطان و

دلگشای مشران را هم دارد.

دوم — غنچه مشر اول و ثانی و کندک مشران درباره منصبداران

ماستحان خود [از بیست و چهار ساعت الی پانزده

نظربندی و جس ریاضت

در حق سلاح اندازان [از بیست و چهار ساعت

تا پانزده روز نظربندی و جس ریاضت، و از

سه چوب الی ده چوب جزایه ضرب

شوم — کاتب غنڈ کاتب کندک براه راسته در باره

جرم سرپرک مشران و کاتب های تولی کرد

مبعیت شان مستخدم میباشند بغنڈ مشران و

کندک مشرانیکه آن فسونند مراجعت کرده جزا

شانرا متحد نموده میتوانند.

چهارم — تولی مشران در باره ضابطان و سلاح اندازان

ماست خودشان [از بیست و چهار ساعت تا

نظربندی و جس ریاضت]

پنجم — بلوک مشران اول و ثانی در باره سلاح اندازان

ماست شان [از بیست و چهار ساعت تا

نظربندی و جس ریاضت]

۲۸. --- منصبداریکه حکم جزایه ضرب را داده باشد، این جزای را
بائذات بدست خود اجرا نمى تواند، این جزای بهر حال
بطریقیکه در قاعده (۱۳) بیان گردید در حاضری شام
اجرا میشود.

۲۹. — یک منصبدار یک قباحت ماتحت خود را مستلزم چنان چیزی
تکلیفیه که بالاتر از اختیار درجه خودش باشد حس نماید،
بنصبدار مافوق خود مراجعت نموده جزائے راکه در دائر
صلاحیت و اختیار مافوق او است بواسطه خود او تحکیم
کرده میشود.

۳۰. — هر نصیبداری که در داخل دایره اختیار و مادی نیست و مایه تحجیر را نمی
نماید، لازم که بعد از اتمام جزایا تحریکات رسمی اصل کیفیت و سبب
موجب آنرا بمنصیبدار مافوق خود اخبار و اشعار نماید.

۳۱۔ ہر گاہ از نوع قباحۃ کرام جرم بنا بر یک سببے از سبب
بجسوریک دیوان حرب برسد، و حق مجرم جزائے را کرد
نظامنا نیز جزا بارہ آن مندرج است حکم میکند.

فصل دوم

(صورت تشکیل دیوان حرب)

۳۲. — هر دیوان حرب از یک رئیس شش عضو ترکیب می یابد، بر
حاکم غنوبین کمر کی در مرتبه و بر مقام باشند علحدّه و ملحدّه
رئیس و اعضا، دیوان حرب را در جدولی ملّی نشان داده شد.

جدولیکه رتبه نائب رئیس و اعضا هر دیوان حرب در مقابل رتبه متبیین نشان میدهد		
رتبه متبیین	رتبه رئیس دیوان حرب	رتبه همایونیک از اعضا
نخستین و ضابطان دولتی مستوفی و پاسبان	غندش و یا کنگدش	یک کنگدش و دو تولی مشربیک بلوک مشرب اول یک بلوک مشرب ثانی یک خرد غنابط
بلوک مشربان	" "	یک کنگدش مشرب و دو تولی مشرب و دو بلوک مشرب اول یک بلوک مشرب ثانی
تولی مشربان کاتبان	غندش اول یا ثانی	یک غندش ثانی و دو کنگدش مشرب و تولی مشرب
کنگدش مشربان کاتبان غند	لوا مشرب و یا غندش اول	یک غندش اول و غندش ثانی سه کنگدش مشرب
غندش ثانی اول یا ثانی	فرقه مشرب و یا لوا مشرب	سه لوا مشرب سه غندش مشرب
لوا مشربان	نائب سالار و یا فرقه مشرب	سه فرقه مشرب سه لوا مشرب
فرقه مشربان	" "	دو نائب سالار چهار فرقه مشرب
نائب سالاران	نائب سالار	سه نائب سالار سه فرقه مشرب

۳۳- محاکمه سپه سالارانند و زرای دیوان عالی عاید است .

۳۴- رئیس و اعضاء دیوان حرب بهمه حال باید تبعه افغانستان

باشند و عمر هر یک کدام شان از بیست سال کمتر نباشد، و با هم نباید

قرابت و درنا سبب داشته باشند، و نه در مابین ایشان

و هم یک سابقه غرض نفسانیت بوده باشد .

۳۵- در هر فرقه پیاده و سواری، و در قوماندهانی مرکزی کابل برای

محاکمه سپاهیان و خور و ضابطان و ضابطان یک یک

دیوان حرب دایمی تشکیل گردیده است، رئیس و اعضاء

این دیوان حرب با بسببیکه سال یک دفعه تبدیل می یابند،

از میان آمران و ضابطانیکه بصنوف مختلفه فرقه منسوب میباشند

مقتدا با انتخاب میگردند، و رئیس و اعضاء دیوان حرب

دایمی که در قوماندهانی مرکزی کابل است از میان آمران و

ضابطانیکه به فرقه رساله شاهی کابل و غنچه محافظ ارگ

و غنچه نمونه منسوبند انتخاب کرده میشوند، و طبقین و تنخواه

اعضای دیوان حرب دایمی و رئیس آن از طرف قوماندها

فرقه مصدق گردیده بوزارت حربیه فرستاده میشود، و

در آنجا در مجلس سکر خط کرده میشوند.

۳۶- هرگاه محاکمه یکی از آمران و یا ارکان لازم آید، بطریقیکه

در قاعده (۳۲) بیان گردید یک دیوان حرب فوت

تشکیل میگردد.

و اگر در یک فرقه برای تشکیل یک دیوان حرب یک مرتبه تمام

متناسب باشد بدرجه کافی منصبداران یافته نشوند بوزارت

حربیه رجعت میشود، و بواسطه وزارت یا از فرقه های

دیگر انتخاب گردیده بعمل مذکور سوق میشود، و یا خود به هم کمال

جلب گردیده در وزارت حربیه در دیوان حرب که عیناً

باصولیکه در جدول نشان داده شده تشکیل گردیده باشد

محاکمه اش اجرا میگردد.

* *

*

فصل سوم

(صورتی که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است)

(تصدیق حکم است و در این کتاب مذکور است)

۳۷- بجز در یک از طرف مافوق از کتاب جرم بدیهه و جنایت

از یکی از منصبه داران و صلاح اندازان خبر گرفته شود و یا اگر در

در باره آن با بالادست و یا نظریه اهمیت جرم بواسطه یک

شخص که از منصبه دار مرکب باشد تحقیقات ابتدائیه اجرا

کرده میشود.

کسانی که به اجرا رسید تحقیقات ابتدائیه نامورند جمیع افادته

که در اثبات جرم باشند قید، و هر قدر دلائل و امارات

که در آن خصوص موجود اند کافی آنرا ضبط و حفظ میکنند. هرگاه

جرم ظنون متعلق باشد بحسابات و اوراق حسابیه پس

تدقیق و آزمایش آن هر قدر اوراقیکه شبهه ناک و مدار

ثبوت جرم او باشند که الکت در میان اوراق تحقیق و

اذغال کرده میشوند، جمیع صحیفه های که افادات مظنونین شهر را
 حاوی بوده با کافه کتابها و اوراق ثبوتیه به مأمورین تحقیق
 کرده میشوند، و مظنون نیز چنانچه بدستخط کردن هر صحیفه افاد
 خود مجبور است بچنان در آخر افاده نامه خود این جمله را که
 اوراق حسابیه که مدار ثبوت جرمند بگی خود شش عاید میشد
 دستخط و تصدیق میکند، بعد از آن مأمورین تحقیق یک
 خلاصه که نتیجه تحقیقات را مبین، و بر افادات و اوراق
 ثبوتیه بنیتهی باشد با فکر و قناعت مخصوصه خود با درج و ج
 و یا عدم جرم بیان و اوراق را بذاتیکه تحقیقات را امرواده
 تقدیم میکنند.

مأمورین تحقیقات باید از رتبه مافوق کس باشند
 که در خصوص تحقیقات اجرا کرده میشوند، و یا بهر حال بهم
 بودنشان لازمیست.

۳۸ - هرگاه در نتیجه تحقیقات در صورتیکه بوقوع جرم قناعت مطلقه
 حاصل گردد، و مظنون از ضابطان و سلاح اندازان با

بدیوان حرب دایمی فرقه سپرده میشود، و اگر مظنون از غیر
فرقه رساله شاهی کابل بوده یکی از قطعات یا تشکیلات
عسکریه منسوب، و یا خود مأذوناً و یا ناموراً در کابل ساکن باشد
بدیوان حرب دایمی تو مانندانی مرکزی کابل حواله و تودیع میشود،
اگر مظنون از جمله آمران و یا ارکان باشد اوراق تحقیقه و
بوزارت حربیه تقدیم، و در باره لزوم تحت محاکمه گرفته
شدن او اجازت طلب میشود، وزارت حربیه نیز تا اینکه
دائرة محاکمات و تشکیل یا اوراق تحقیقه (بمجلس
عسکری) و بعد از تشکیل یافتن دائرة محاکمات بخود دائره
مذکور حواله میکند، تدقیقات اوراق تحقیقه بمجلس عسکری
و یا دائره محاکمات هرگاه در باره وقوع جرم قناعت نباشد
یک مضبطه که لزوم محاکمه مظنون را حاوی، و بر دلایل واضح
مستند باشد تنظیم گردیده بوزارت حربیه تقدیم میشود، و وزیر
حربیه نیز این مضبطه را بایک عربضنه از طرفه اولفنا بحضور
شأنه تقدیم و اجازه دادن و مساعدت فرموده و باینکه مظنون را

بد است بیاوونی عرض میدارو، در صورتیکه معروضات قبول
 و منظور گردید مضبوط مجلس عسکری و یا اداره محاکمات باضا
 و تصدیق شایانۀ موشح گردیده بوزیر حربیه اعاده میشود. و بگو
 حربیه اجرائیه محاکمه مظنون را یا در دیوان حربیه همان منطقه
 که بآن منسوب است، و یا در یک دیوان حربیه دیگر در سلطنت
 تشکیل داده خواهد شد امر میکند.

۳۹- هرگاه جرم مظنون از نوع جنایت و جرایم مشهور باشد و اگر
 جلوگیری مظنون از فرار و یا بعض تشبیهات دیگر و به
 که موجب استغاط دلائل ثبوتیه از وجه حکم و اعتبار گردد
 اجرائیه تحقیقات ابتدائیه بتوقیف مادی،
 و یا انفرادی او موقوفش امر داده میشود.

و اگر آردن بهیئت آن اوراق و دفاتر که در ثبوت جرم
 باشند، و یا سوق کردن صندوقها بیک مخصوص خط
 پولست یکجا با اوراق تحقیقیه ممکن نیست، کافی اینست
 چیز از طرف مأمورین تحقیق مهر و لاک گردیده در هر جایکه

همان ذات امر و مبدء تحقیقات حکم کنی حفظ میشوند.

۴۰. — در دیوان حرب محاکمه بصورت ذیل جریان می یابد: —

اول۔ دیوان حرب در تحت ریاست رئیس خود اجتماع

میکند در خانه که دیوان حرب در آن اجتماع پیدا بد

شرط است که یک میز و بر بالایی آن میز پوش

قماش سبزینہ رنگ باشد، و رئیس باید سبکی از

دو طرف کثیر میز نشسته اعضا سه سه شده بر تخته

خودشان بر اثر طرف یمن و بسیار رئیس خود در

حالتک در مشروب بر کد امر یک یک قلم و دو

و کت مقدار کاغذ سفید را بے قید و ادشت

ماے شان موجود باشد، اخذ موقع نمایند.

کاتب نامے دیوانہ صوبہ سمیت مقابلہ رئیس

موقوفه، انک بعد از انکه بدست صورت

تشیب کند، مظنه از محضه دیو است.

آورد و مشورت کرد و گاه و مرز درج خفایت ما

دو نفر خورد ضابطه تفنگ در جای که فک یک
حربه و یا یک برچ در کرا و نخته باشند برست
و چپ مظنون استاده و وظیفه محافظت و بهره
داری را ایفا نمایند.

در دروازه دیوان حرب یک نفر بهره دار برچ پاک
موجود میباشد، و بدون اجازه رئیس اجازت
بداخل شدن نمیکند.

دوم — رئیس اسم خود مظنون، و اسم پدر و مملکت، و
سن و رتبه، و تاتل و نام و نمبر قطعه او را میسر
و این سؤال با جواب تا نیکه مظنون میدارد طرف
کاتب عیناً ضبط و ثبت میگردد، و متصل آن
بکاتب قرائت اوراق تحقیقه که در باره مظنون
امرداده میشود، کاتب بعد از آنکه همه اوراق را
سر تا پا خواند مظنون از حضور دیوان حرب
بیرون کشیده میشود، و بیک خانه که در آن

هیچکس نباشد برده میشود، هیئت دیوان حرب
 بر اوراق تحقیقات ابتدائیه علم آورده بعد از آنکه
 قرار میدهند که آیا بیاورست نمودن بحاکمه ممکن است
 یا نه، و آیا دلایل جبریه تماماً در دست است
 یا خیر؟ بعداً اگر دیوان حرب در حضور خود بدو
 محاکمه قرار بدد منظنون بالتکلیف بحضور دیوان حرب
 جلب گردیده باجراست محاکمه اش آغاز میشود
 و منظنون از طرف رئیس استجواب میگردد، و
 در اثنا سب این سؤال و جواب هیچ یکی از اعضا
 در مقابل منظنون و شا بدایک سؤال هم ایراد
 کرده نمیتوانند، اگر روشن گردانیدن و تفصیل
 دادن بعضی نقطه را لازم بینند آنرا یکسره
 بسیار آهسته بر رئیس عرض میدارند، در اثنا
 دوام محاکمه در میان اعضا بحکمی بصورت
 باید تعاطی رمز و کنایات نشود، و خارج بحث

نه اجاز

ندارد

رد

بر

معاطله

ما را

ت جریه

ردیده

ن کابل

ردیده

ردیده

ردیده

ردیده

ردیده

هیچ یک محاکمه باینده از طرف رئیس و نه از طرف
 اعضا بر پا گردد، حتی بسینا ره کشیدن، و
 نان خوردن، و الحاصل هیچ یک حرکتی که خلاف
 سیاست نیست باشد باید هیچ وجه مبارزه و تیر
 نشود، بعد از جلب شهود و اتمام معاملات سایر
 که در نظامنامه محاکمات جزائیه مصریح گردیده
 هرگاه بجز مریست مطلق قناعت حاصل شد
 نظریه عینیت و درجه جرم یکی از جزائیکه در این
 (نظامنامه جزایه عسکری) مندرج گردیده
 محکوم میگردد، و حکم مجرم فهمانیده میشود، این
 لازم نیست که بهر حال اجراء محاکمه در یک
 جلسه اتمام پذیر گردد، بلکه نظر بوزوم آن جلسه
 متعدد بمحاکمه دوام ورزیده میشود.
 سوم — اگر دیوان حرب حکم کند که اوراق تحقیقه بدرجه
 که هنوز قابل اجراء محاکمه باشند مکمل نگردیده

(نظامنامه عسکری)
 جزایه عسکری

و بلکه به اجراء تحقیقات مزید محتاج است لهذا
یکی از اعضا به خود استنطق انتخاب میکند
و اجراء تحقیقات مکتبه استنطاقیه را با و
می سپارد، مستنطق بعد از اكمال وظیفه
خود او را ق تحقیقیه ابتدائیه را بایک فذ لک که بر
علیه مظنون حاوی بر دلائل ثبوتیه است بر سر
تقدیم میکند، و متعاقب آن بطریقیکه در بالا
در فقره (۲) بیان گردید محاکمه جریان میگیرد
چهارم - مظنون را پس عدم اعتماد خود را در باره اعضا
دیوان حرب بشرط در میان آوردن دلائل ثبوتیه
و قطعیه بیان کرده میتواند در حال وقوع تخمین
یک اذاعا مظنون به بیرون کشیده میشود
و اعضا نیکه در حق نشان را پس عدم اعتماد
داده شده نیز متوقفا بیرون می برانند، اعضا
باقیه دلائل را که مظنون بیان کرده است تدقیق

میکنند که آیا بدرجه کافی قناعت بخش
 هستند یا خیر؟ آخر الامر با رد و خواهش مظلون
 قرارداد اعضا نیکو موضوع بحث اند با التکرار
 بدیوان حرب اذغال گردیده و مظلون را دانسته
 گردانیده بجا که دوام در زنده میشود، و یا آنکه
 در عوض آنها تعیین گردیدن اعضا دیگر
 بقوامندان همان قطعه که دیوان حرب بآن
 منسوب است عرض کرده میشود.

۴۱. — بعد از آنکه از دیوان حرب حکم صادر و مجرم فغانیده شد
 دیوان حرب یک مضبوط مفصله تنظیم میکند، و درین مضبوط
 اولاً جمیع دلایلی که مدار ثبوت جرم باشند بیکان بیکان
 تعداد کرده میشوند، و افادات مجرم نیز خلاصه شده ذکر میشوند
 و در نتیجه نوشته میشود که از فلان فلان دلایل و امارات
 بر ثبوت جرم قناعت حاصل گردید، و با فلان نوع جرم
 بجهت مجرم قرارداد شده و متعاقباً مجرم موافق بفلان

قاعده نظامنامه جزای عسکری محکوم گردید بلکه ضرورت است
که عیناً همان قاعده نظامنامه جزای عسکری که به محکوم
متعلق است در مضبطه درج گردد.

۴۲. اگر محکومیت بدرجه خیانت بوده باشد، و مجرم خواه سلاح
انداز باشد، و یا منصبدار، مضبطه دیوان حرب که در حق
او داده میشود از طرف رئیس دیوان حرب بقوماندانی مرکزی
کابل و یا قوماندانی فرقه تقدیم گردیده از آنجا بوزارت حرب
فرستاده میشود و زیر حربه مضبطه را (بمجلس عسکری) و یادآور
محاکات حواله مینماید، در آنجا بعد از تدقیق هرگاه قناعت
حاصل آید که جرمیان یافتن محاکمه سزا با اصول، و نظریه
جرم تحدید گردیدن جزا موافق به نظام بعمل آمده، همان است
که مضبطه تصدیق و به وزیر حربه تقدیم میشود و وزیر حربه
آنرا با یک تذکره معروضه خود بحضور مبارک شلانه
عرض میکند، و بعد از آنکه از طرف اشرف ملوکانه تصدیق
فرموده شود دوباره بوزارت حرب تیه اعاده گردیده حکم

بهانجا در معرض اجرا گذاشته میشود، و هرگاه مضبوط
 قناعت بخشیده نشود، و در اجراء محاکمه بعضی
 نواقص مشاهده افتاد نقطه ای بجالب تردوش
 با نقطه ای نقصان نمایند آن در مضبوط که (مجلس عسکری)
 تنظیم و تصحیح گردیده معرفت فرماندانی فرقه گردان
 بآن منسوب است، و این بیان دیوان حرب عاده میشود، و
 در آنجا نقصان واقع اتمام پذیرفته حکم که بار دوم اعطا
 گردد یا مضبوط مجلس عسکری و همان مضبوط دیوان حرب
 نخستین یکجا دوباره بوزارت حربیه تقدیم گردیده و
 معاملات باقیه سابقه بتکرار اجرا پذیر میگردد.

هرگاه جرم از نوع خفیه و محکوم یکی از آمران و یا ارکان باشد
 باز هم مضبوط بوزارت حربیه تقدیم گردیده بعد از تدقیق
 در مجلس عسکری و یادآور محاکمات معرفت وزیر حربیه
 بحضور مبارک شامانه عرض میشود، و بعد از تصدیق
 علیحضرت شهر یاری هر حکم که باشد در وزارت حربیه

اجرا پذیر گردد و در صورتیکه نقطه ثانی جانب تردد ملا
 گردد، بموجب فقره اخیر قاعده (۱۴۲) معاطه میشود.
 ۴۴. اگر جرم از نوع جنجوده محکوم از ضابطان و یا سلاح انداز
 باشد و حد عظم محکومیت خمس یکسال و یا در باره سلاح
 اندازان متعلق باشد بجزای ضرب از (۱۵) چوب
 الی (۸۰) چوب قومانهای فرق مضبط دیوان حرب
 تصدیق نموده در موقع اجرا یکصد ازند، و یکت نقل مضبط
 دیوان حرب را بوزارت حربته تقدیم میکنند. اگر محکومیت
 متعلق بجزای خمس از یکسال تا سه سال، و در باره
 ضابطان عاید بجزای موقوفیت رتب باشد مضبط
 دیوان حرب بوزارت حربته تقدیم میگردد، و وزیر حربته
 هرگاه مناسب دید آنرا در مجلس عسکری و یا دایره محاکمات
 تدقیق مینماید، و یا بیج در اینجا آرا تدقیق نموده بالذات
 تدقیق و تصدیق مینماید، فقط برای اجرای حکم موقوف
 کرد در باره ضابطان صادر گردد لازم است که با بیان

(۴۴) چوب
 دیوان حرب
 وزارت حربته
 مجلس عسکری
 دایره محاکمات

کردن اسباب موجب آن از حضور مبارک شانه اجازه
خواسته شود.

حکماست چنانچه که تصدیق وزیر جرئت رسیده باشند در
نزد قطعه که محکوم بدان منسوب است اجرا پذیر میگردد،
منصبداران و سلاح اندازان که زیاده از یکسال بجزای
جس محکوم گردند، بعد از آنکه بموجب قاعده (۱۶) معاملة
موقوفیت شان اجرا گردد با مضبط که حکم جس شانرا
تا میعاد معین حاویست، و نقل تصدیق نامه وزارت جرئت
و صورت اراده سنیه که در باره شان صادر گردیده
یکجا بکوتوالی تسلیم میشوند.

۴۵ — حکماست چنانچه که از دیوان حرب فرماندانی مرکزی کابل
داده میشوند، از طرف فرماندان مرکز تصدیق شدنی خواهند
درجه این محکومیت هر چه و هر قدر که باشد از بهر تصدیق به
وزارت جرئت تقدیم میشود، و بعد از تصدیق حکم از جانب
قطعه عسکریه که محکوم بآن منسوب است اجرا پذیر میگردد.

خداوند متعال فرموده است

۴۶ — هرگاه در اشائے محاربه با دشمن چریکی بآن ارتکاب نماید

شده فوق العاده جایز اهمیت باشد، و قوما ندان قول

اردو و یا فرقه مستقل در صورتیکه از یک طرف در حال لزوم

ابر از نمودن یک جهرت مؤثره بغایت سریع را چریکند

و از طرف دیگر وقت و زمان را باستیدان و اجازت طلبیدن

از وزارت حربیه مساعد نمایند، همان است که مسئولیت مضبوط

حکماهای راکه در باره جنایت از دیوان حرب مصاد

میگردند، در عطفه خود گرفتار تصدیق و

اجرای آن ناذون هستند، مگر بعد الاجرا کیفیت را بیک

نقل مضبوط لغا، و ذکر نمودن اسباب موجب که تجاوز حقیقت

خود را ایجاب نموده است تفصیلاً به وزارت حربیه اطلاع

دادن مجبور است.

۴۷ — هرگاه حکماهای راکه از دیوان حرب صادر میشوند مخالف با

وقاعت ذاتی دیده شود که مجرم را بدیوان حرب تودیع

نموده است باین بیان کردن اسباب موجب آن از طرف

از تشریح

باید

و یاد

علم

باشد

آنها

ام

و

ن

سکر

چون عکس می شود (ص)

همان ذات مضبوط با تکرار بدیوان حرب اعاده میشود نقط
 اگر دیوان حرب بر حکم سابق خود اصرار نماید قوما ندانند که اگر
 دایره اختیارات و صلاحیتش باشد حکم را تصدیق میکند
 و یا آنکه براسه تدقیق یافتن در مجلس عسکری در صورتیکه خود
 آرزو کند، و یا از درجه صلاحیتش بالاتر باشد تقدیم کردن
 بوزارت حربیه مجبوست.

۴۸. — برای محاکمه ضابطان و سلاح اندازان کوتوالی و پولیس که
 در داخل ایالت کابل هستند، (در وزارت امنیت عمومی)
 بموجب قاعده (۳۱) یک دیوان حرب دینی تشکیل میشود.
 محاکمه ضابطان و سلاح اندازان کوتوالی و پولیس که در محکمات
 هستند بشرط بودن لا اقل سه نفر ضابطان کوتوالی و پولیس
 در میان اعضا دیوان حربهاست دائمی که در مرکزهای فرقه
 ولوایه منتقل میشوند و یا میباشند در همانجا اجرا میشود.
 از جمله جریمههاست جتخه که از دیوان حرب دائمی وزارت
 امنیت عمومی در باره ضابطان و افراد صادر میگردد و از نظر

جدول عسکری فرقه (۵)

وزیر امنیت عمومی را پس از تدقیق اجرا میاید
 برای محاکمه آمران کوتوالی و پولیس مرکز در صورت
 مراجعت بوزارت حربیه یک دیوان حرب مخصوص
 تشکیل میاید، و درین دیوان حرب بهر حال موجودیت
 سنف آمران کوتوالی ضروریست، و پیش از آنکه ایشان
 در تحت محاکمه گرفته شوند بایان کردن و در میان
 آوردن اسباب موجب معرفت وزیر امنیت عمومی
 از حضور بپایون شایان اجازه خواسته میشود.
 بعد از تدقیق اوراق حکمیه منسوبین کوتوالی مضبوط مجلس
 عسکری بواسطه وزیر امنیت عمومی بحضور اعلی حضرت بپایون
 تقدیم میاید.

۴۹ - در صورتیکه موافق بنظامنامه مخصوص دولت در یک محلی
 حکومت عسکری اعلان گردد، محاکمه کسانی که خواه از رعایا
 و نظامی باخلال و برهم زدن امنیت خارجی و داخلی
 افغانستان تشبث ورزند با کسانی که بمقررات حکومت

پدید

ان

مانند

لونه افلا

و سکنه

با لکرا

دستگیر

دستگیر

دستگیر

دستگیر

دستگیر

دستگیر

عسکری مخالفت کنند، در یکت دیوان صریحاً بامر حکومت
عسکری منسوب است و بصورت مخصوص تشکیل گردیده اجرا
میشود، و درین دیوان حرب حکومت عسکری محاکمه طبق
و طریقی در قاعده های (۳۷) و (۳۸) و (۳۹)
و (۴۰) و (۴۱) بیان گردید جریان می یابد لکن
حکام این دیوان حرب قطعی بوده مرکز قابل ملاحظه نیست
آمر حکومت عسکری حکمها را که جنس پانزده سال را
حاوی باشد پیهم تصدیق و اجرا میکند، و حکمها یکبار
بالاتر باشد با حکمها (اعلام) بوزارت حرب تقدیم
مینماید، و از طرف وزیر حرب به حضور علمحضرت شاهی
عرض گردیده منظور می شود، و در بعضی
حالات در خصوص فی الفور اجرا و منقوری و جزای اعدا
از دیوان حرب حکومت عسکری صادر گردد، و در بعضی
پادشاهی بامبر بزرگترین حکومت عسکری صلاحیت مخصوص
اعطا میفرمایند، و در این صورت بعد از اجرا یافتن حکمها

مضبوط دیوان حرب از طرف آمر حکومت عسکری بوزارت

حربیہ تقدیم میگردد.

۵۰. — هرگاه در حین ارتکاب یک جرم بودن مجرم در حال جنت

یعنی دیوانگی تبیین و اثبات گردد از مجازات قانونیه کلی

معاف دانسته میشود.

۵۱. — هرگاه یک مجرم بنا بر اطاعت به امر و اجبار یک آمر مجرم

مرتکب جرمی گردد خودش از جزا معاف شناخته میشود.

و جزا عیناً در حق همان آمر مجرم حکم و اجرا میگردد.

۵۲. — هر یک از مجرمین فاعلین مشترک یک جرم، مانند فاعل منفرد

جزا سے بیند.

* *

*

باب دوم

(احکام جزائیه)

فصل اول

(جاییت و وطنیه و جاسوسی)

۵۳- هرگاه یک نفر نظامی افغانستان با دشمن متفق گردیده بر

فکر افغانستان استعمال سلاح نماید [اعدام]

۵۴- هرگاه یکی از تبعه دشمن در اثنای محاربه از طرف افغانستان

اسیر گردیده، و بعد از آنکه بر طرف ماندنش از هر گونه اقله

و تشبثات در حق افغانستان بناء بر سر خود قول و سکند

نموده بمکلتش رها داده شود، و باز نقض عهد نموده بالنگار

بر علیه افغانستان در محاربه شرکت کرد، چهار دیگر دستگیر

شود [اعدام]

۵۵- هرگاه یک نفر نظامی افغانستان، قوت و یاریتبات وضع

بجیشی قطعه عسکری را که بدان منسوب است، یا پلانهای یکی

از قلعه های افغانی، و یا آنکه محل و مقدار اسلحه و جیاهانه،
 و از زانیکه براس اداره عسکر جمع و از خارگر ویده، و یا خود
 نام شنب و یا دیگر اسرار عسکریه را بر راه رست و یا بواسطه
 بدشمن معلوم و اشعار نماید [اعدام]

۵۶- هرگاه یکنفر نظامی افغانی براس ترویج مقاصد دشمن

با او مخبره نماید [اعدام]

۵۷- هرگاه بعضی از افراد نظامی یک قلعه افغانی در صورتیکه از نظر
 دشمن بمحاصره دوچار گردیده باشد، در میان خود شفقاً چنان
 مذاکرات تشبث و رزند که توانند آن قلعه را تسلیم نمایند
 بدشمن اجبار و تکلیف نمایند [اعدام]

۵۸- هرگاه یکی از تبعه افغانستان و یا از تبعه اجنبی بغرض

استیصال معلومات براس دشمن یک قلعه و یا قشله
 و یا خود و یک اداره خانه عسکر، و یا یک قاهره، و یا
 در اردوگاه ماه و منزل جانی که کشاده و نیمه دار اردو
 افغانی داخل شود [اعدام]

جواب عسکر فرزند (۵)

ت
و نظر

۵۹. — عسکر افغانی را در مقابل دشمن و یا اشقیای مسلح بغیر تشویق

دادن و یا از جمع آوری منع کردن [اعدام]

۶۰. — از چنان وسایط و تدابیریکه بر اهراسه حرکات عسکری دارد

مانع شده تواند، و یا امنیت یک قطعه و یا قراولخانه و یا دیگر

اینه را در تهاجم و خطر اندازد، دشمن را خبر گردانیدن [اعدام]

۶۱. — موقعی که بر اهراسه اربعه کیلنگاه استخاد گردیده باشد،

بدشمن نشان دادن [اعدام]

۶۲. — جاسوس های دشمن و عسکر های دشمن را که بغرض کشف آمده

باشند، دیده و دست نهان کردن یا نگه داشتن [اعدام]

۶۳. — عسکر افغانستان را بطرف دشمن بغیر تشویق نمودن، و

یا کسانی که میخواهند بطرف دشمن فرار کنند، در راه فرارشان

تسهیلات بهرسانیدن و یا بمنفعت دشمن عسکر

جمع کردن [اعدام]

* *

*

بغیر تشویق نمودن دشمن

فصل دوم

(مخالفت بفرایض عسکریه)

۶۴ — هرگاه یک قلعه افغانی از طرف دشمن در زیر محاصره

گرفته شده باشد، و منصبدار محافظ آن پیش از استعمال

نمودن کافه وسایط مدافعه که در دست دارد و بلا اكمال

بمراجعات فریضه ذمت و ناموس خود برخلاف ششمن

با او صلح نموده قلعه را تسلیم نماید [اعدام]

۶۵ — هرگاه یک فرمانده اینکه با داره یک قسم اردو افغانستان

در محاربه صحرا نامور و معین باشد، با وجودیکه ایجابات فریضه

ناموس خود را کاملاً بجا آورد، ولیکن در دایره شرایط

مصالحه که با دشمن عقد میکند موجب تسلیم سلاح عسکر

معیت خویش بشمن گردد [اعدام]

۶۶ — هرگاه شرایط مصالحه فرمانده اینکه در قاعده فوق بیان شد،

موجب تسلیم سلاح اردو نگردیده، تنها به عقب کشیدن اردو

مجلس شورای ملی - تهران - ۱۳۰۱

فتح گردد. [طرد از سبک عسکری]

۶۷. — هرگاه کدام نفر نظامی که پیراهن جاسی خود را ترک کند:

اول — اگر در مقابل دشمن یا باغیان مسلح باشد

[اعدام]

دوم — اگر در حال حضر باشد و باره منسوبه ازان،

[از پانزده روز تا چهل روز حبس]

در باره سلاح اندازان، [ب]

الی ۴۰ چوب ضرب

۶۸. — بر نفر نظامی که در اثنای پیراهن جاسی خود:

اول — در مقابل دشمن و اشقیای مسلح [از یکسال

تا دو سال حبس]

دوم — در وقت حضر [از پانزده روز اسل

چهل روز حبس]

۶۹. — بر نفر نظامی که موقع خدمت مأموره خود را ترک کند:

اول — در مقابل دشمن و اشقیای مسلح [اعدام]

جواز عسکری زیر (۶)

دوم — در وقت حضور در باره منصبداران [ارزش ماه

تأیکسال حبس]

در حق سلاح اندازان [از سه ماه تا شش ماه

حبس]

۷۰ — هر نفر نظامی که در وقت نواختن طرم جمع و یا ششجوب بچل

اجتماع نیاید

در باره منصبداران [طرز از سلک عسکری]

در حق سلاح اندازان [از بیست الی هشتاد چوب

جزا سه ضرب]

۷۱ — هر نفر نظامی که بعضویت دیوان حرب، امور بوده بلا عذر

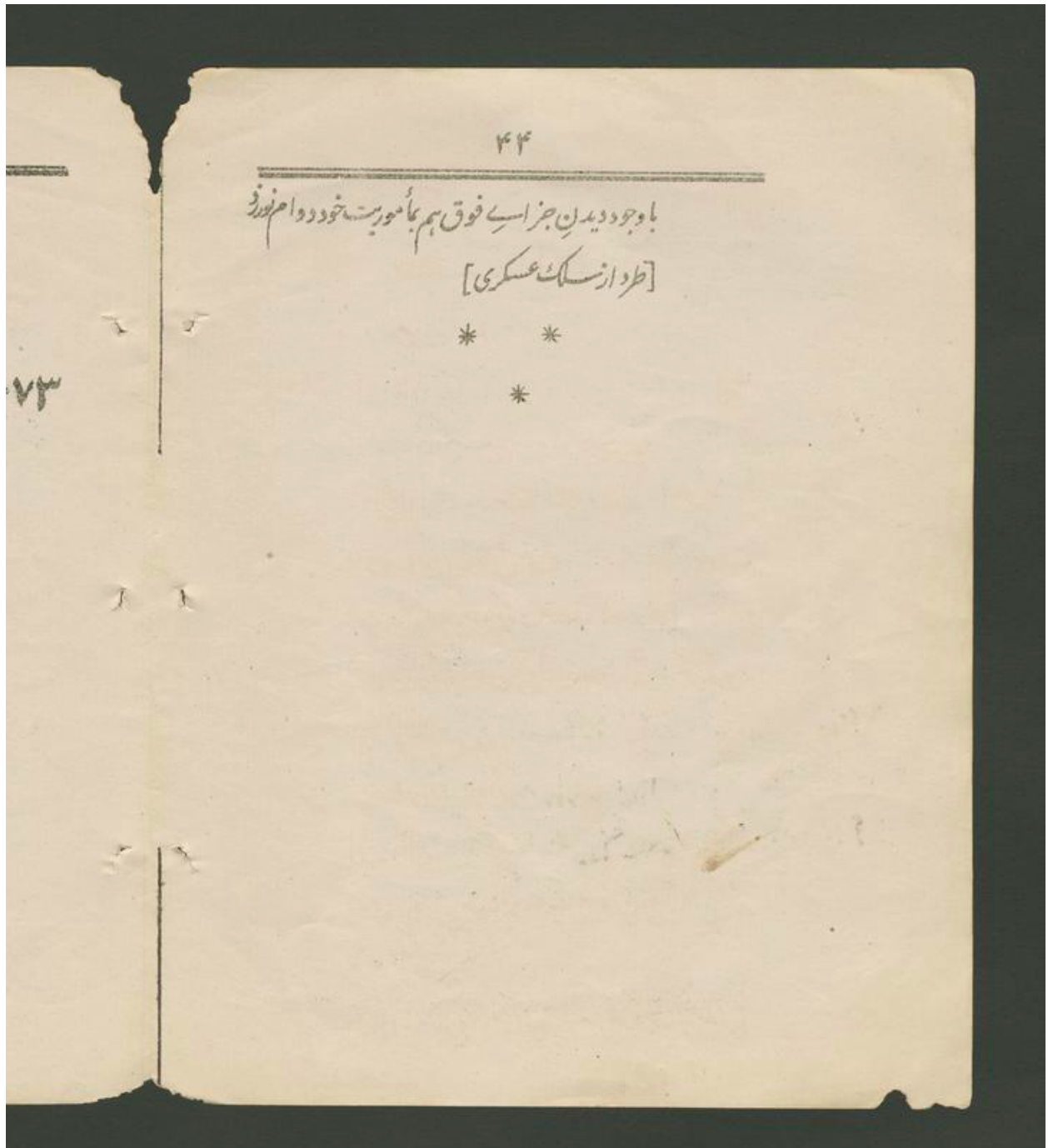
معقول آنرا قبول نکند :

در حق منصبداران [از یکماه تا سه ماه حبس]

در حق خورده ضابطان [از پانزده روز تا چهل و پنج روز

حبس ریاضت]

۷۲ — هرگاه منصبداریکه بعضویت دیوان حرب معین بود،



فصل سوم

(عدم اطاعت و عصیان و مقاومت)

۷۳- هرگاه لا اقل چهار نفر نظامی در حالیکه اسلحه شان بکشت
 بوده عصیان کنند، و به امر نخستینی که از طرف مافوق
 شان داده شده باشد اقبال و رزند [اعدام]
 اگر عصیان کنندگان اسلحه خود را بر دست به برخلاف
 امر منصبداران خود حرکت کنند [اعدام]
 اگر عصیان کنندگان مسلح، اقلاً هشت نفر یکجا بوده
 بغرض نشینیدن صدای مافوق خود شتمانه و غوغا کنند
 و بعضیان دوام و رزند [اعدام]
 با وجود آن این جزای اعدام در باره مشوقین و محرکین
 عصیان و جمیع منصبدارانیکه در عصیان شامل باشند
 نیز حکم میشود.
 و در باره سلاح اندازان [از شش ماه تا یکسال حبس]

۷۴. — کسانی که از زمین در مقابل دشمن، و یا خود از قتل بیک
خدیو که از طرف مافوقش با و از خنده باشد با وجود اهل
اعتناع درزند:

اول — در مقابل دشمن یا اشقیای مسلح [اعدام]

دوم — در حال حضور درباره منصبداران [از سلاطین]

عسکری طرفدار از نگاه تاسه ماه حبس]

و درباره سلاح اندازان [از پانزده چوب]

تأشست چوب ضرب، و از چهل و پنج روز

تأمنده جزایه حبس]

۷۵. — در مقابل هر چه در آید و به امر (دیوثر) پهنسوار

اطاعت نمودن:

اول — در مقابل دشمن یا مسلح مقابل گردیدن [اعدام]

دوم — در حال ضرب مسلح در مقابل هر چه دار

آید، درباره منصبداران [از سلاطین]

عسکری طرفدار از سه ماه تا یکسال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از سیه تا یکسا] حبس

۷۶. - بنی و اشارة دست و ساز اعضا و یا به الفاظ تهدید

و تخویف بهره دار را تحقیر نمودن

در باره منصب داران [از بیست و چهار ساعت تا سیه

حبس]

و براسی سلاح اندازان [از پانزده جوب اسلحه چهل

جوب جز اسلحه ضرب]

۷۷. - اگر یک سپاهی بر غلامان و یا بر غلامان خدمات

داخلی تصریح شده بیک منصب دار کسان خود سبب رعایت

سلسله مراتب بر او ماست عرض شکایت کند [پانزده

جوب ضرب]

هرگاه بیک منصب دار به اینصورت عرض شکایت نماید

[یک هفته حبس]

هره بیک چند نفر سپاهی مجتمع بیکجا شده بلا رعایت

سلسله مراتب بر او ماست بیک منصب دار کلا عرض

(۶) جزای سکه نمره

[اسم]

و شکایت نمایند، مشوقین شان [پانزده چوب ضرب،

و سی روز عین ریاضت]

و باقی نفری شان هر که ام [پانزده چوب ضرب،

ویک ہفتہ جس ریاضت

* *

✱

فصل چهارم

(ما فوق را ضرب و تحقیر نمودن)

۷۸- در اثبات خدمات عسکریه ما فوق خود را ضربه نمودن و

اول- هرگاه اینچنین یک معاطه ضرب در تحت سلاح

یعنی در اثبات تعلیم و مافوقه و یا در حال حرب

داخل یک قطعه مستقیم عسکریه قیام آید [اعلام]

و دوم- هرگاه در تحت سلاح نبوده بعمل آید [از یکسال

تا سه سال حبس]

۷۹- هرگاه در خارج خدمات عسکریه، از سبب خدمات

عسکریه معاطه ضرب ما فوق بوقوع آید [از یکسال

تا سه سال حبس]

۸۰- هرگاه در خارج خدمات عسکریه و بدون خدمات عسکریه

از کدام سبب دیگر ضرب ما فوق وقوع پذیر گردد [در باب

منصبه ارباب علاوه بر طرد از سبک عسکری، از سه ماه

۵۰

[یکسال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از حبس چوب آیشنا چوب]

ضرب، و از شش ماه تا یکسال حبس]

۸۱- در اثنا خدمت عسکریه برافوق خود تشبیه سلاح نمودن

یعنی سلاح کشیدن

در باره منصبداران [از سه سال تا ده سال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از دو سال تا پنج سال حبس]

۸۲- خارج خدمات عسکریه از هر سببی که باشد برافوق خود

تشبیه سلاح نمودن

در باره منصبداران [مطابق بر طرز از سبک عسکری]

از سه ماه تا یکسال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از حبس چوب آلی چوب]

چوب ضرب، و از سه ماه تا یکسال حبس]

۸۳- در اثنا خدمت عسکریه و یا خارج آن برافوق خود

تشبیه سلاح نمودن [از یک ماه تا سه سال حبس]

۱۰۱۹۵
عسکری
از ۱۰۱۹۵

۸۴- در اثبات حد ذات عسکر و خروج آن بر مرتبه خود
سلاح کشیده و او را ضرب نمودن.

در باره متعبدان [از دوازده تا یکسال حبس]
برای سلاح اندازان [از یکماه تا چهارماه حبس]
اگر در اثبات مرتبه جرم به وقوع آید حکم آن بقرار
نشدن القضاة الایمانیه اجتر میشود.

۸۵- در اثبات حد ذات عسکر و خروج آن بر مرتبه خود
سلاح کشیده و او را ضرب نمودن.
در باره متعبدان [از دوازده تا یکسال حبس]
برای سلاح اندازان [از یکماه تا چهارماه حبس]

اگر در اثبات مرتبه جرم به وقوع آید حکم آن بقرار
نشدن القضاة الایمانیه اجتر میشود.

۸۶- اگر جرم مرتبه دشنام که در ماده فوق بیان
گرفته خارج حد ذات عسکر و جرم به سبب

۸۷- اگر جرم مرتبه دشنام که در ماده فوق بیان
گرفته خارج حد ذات عسکر و جرم به سبب

۵۲

خدمات عسکریتہ بعجل آید ،
در بارہ منصبداران [از سہ ماہ تا یک سال حبس]
و برائے سلاح اندازان [از یک ماہ تا سہ ماہ حبس]

* *

*

فصل پنجم

(نقوذ اموریت را استعمال بجا نمودن)

۸۷. هرگاه یک قومانده عسکر بر بالاسیو تبعه و یا عسکر

یک دولت متفق و یا بیطرف بلا سبب و بلا امر

و بلا ماذونیت مستلحا هجوم برد [اعدام]

۸۸. همچنان اگر بر اراضی و حدود و یک دولت بیطرف یا متفق

بلا سبب و بلا امر بلا ماذونیت یک رقم اوضاع و حرکت

خصمانه را اجرا کند [طرد از سلطنت عسکر]

۸۹. هرگاه یک فرمانان عسکر، بعد از گرفتن خبر رسمی

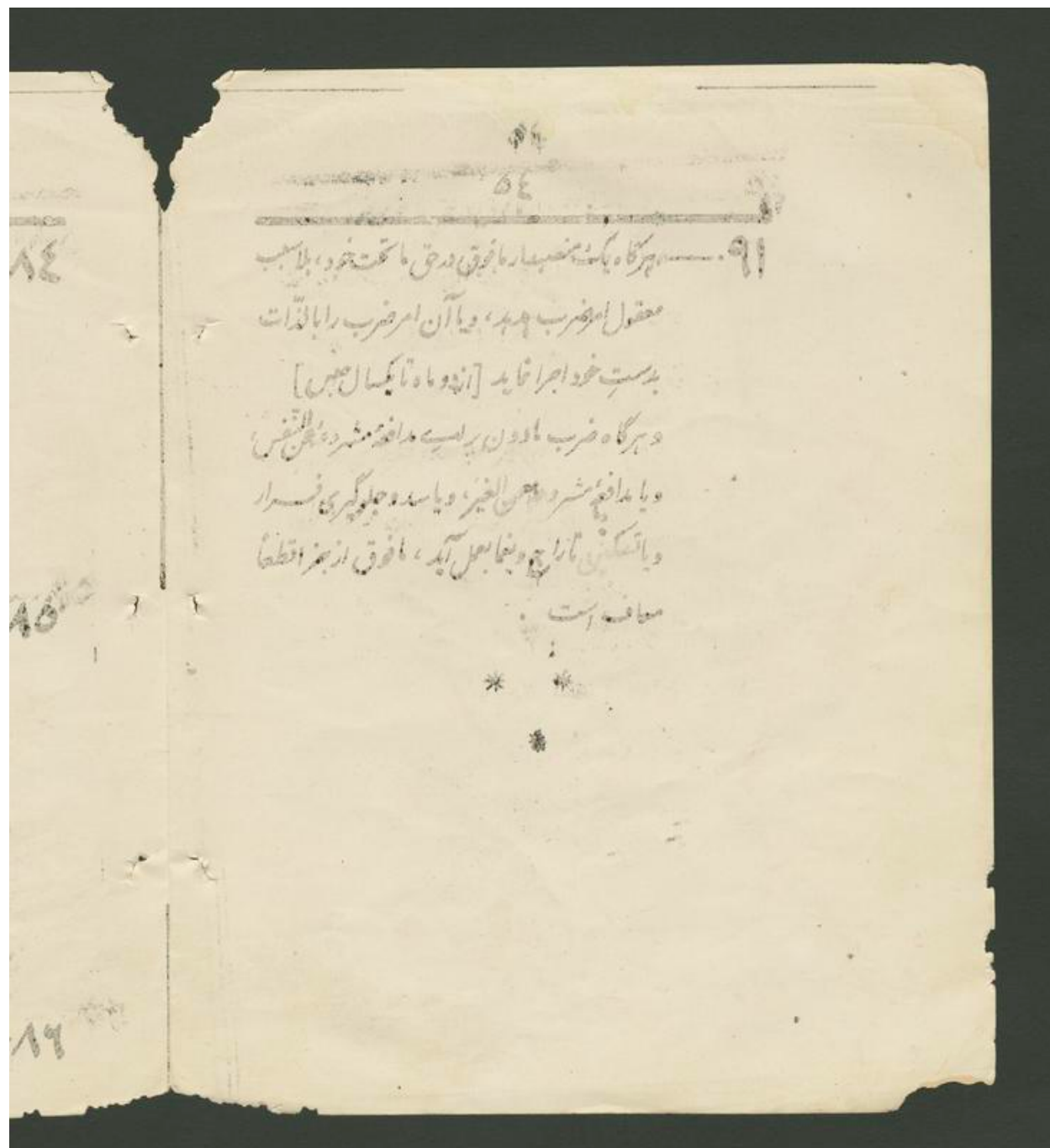
متارکه و مصالحه هم بلا سبب بحرکات خصمانه دولتم

دست [اعدام]

۹۰. بلا امر و بلا سبب مشروع قومانده یک قطعه عسکر یا

در عهده گرفتن و یا ترک نکردن یک قومانده که از طرف

ما فوق امر به ترک آن صادر گردیده باشد [اعدام]



فصل ششم
در بیان جنگ

۹۲. فرار عبارت است از جدا شدن بلا اذن و اجازت
بگنفر نظامی از موقع غرض جنگی و خودی و یا از همان
قطعه عسکری که بآن مقرب است.
۹۳. هرگاه بگنفر نظامی در اثنای محاربه تنها بطرف دشمن
فرار کند. [اعدام]
۹۴. اگر یک چند نفر نظامی بیکجا شده در اثنای محاربه بطرف
دشمن شتافتار نمایند، همه شان [اعدام]
۹۵. هرگاه بگنفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل دشمن
داخل افغانستان شود و از ده سال تا پانزده
سال بماند.
۹۶. اگر یک چند نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل دشمن
داخل افغانستان متخلفا فرار کنند، همه شان [اعدام]

۹۷. اگر یک نفر نظامی افغانستان در وقت صلح بلا اجازت

از افغانستان بیک مملکت اجنبی برود

در باره منصبداران [از سلاطین عسکری طرد، و از بیکاه

تاششماه حبس]

و بر اسلح سلاح اندازان [از چهل چوب الی هشتاد

چوب ضرب، و از بیکاه تاسه ماه حبس]

۹۸. هرگاه بیک سلاح انداز قطعه فسوبه خود را بلا اذن بیک

نموده، و فردا بیک همان روز ناودما عودت نکند [از بیت

چوب الی چهل چوب ضرب]

۹۹. هرگاه یک چند نفر سلاح انداز نظامی قطعه فسوبه شان را

بلا اذن متفقاً ترک نموده، فردا بیک چنان روز ناودما عودت

نمایند، هر قده شان [از چهل چوب الی شصت چوب

ضرب]

و باقی شان [از شصت چوب الی چهل چوب ضرب]

اگر در میان شان منصبدار باشد [از یکم هفتصد

۷۸

۷۹

۸۰

تایکاه جس

اگر اضافہ از یک ہفتہ واپس نیاید [از دو ماہ تا سہ ماہ

جس]

اگر اینچنین فرار متفقانہ در وقت حضر از افغانستان یک

مملکت خارج بوقوع آید، سرکردگان مشوقین شان [اعلام]

بقیہ شان [ہشتاد چوب ضرب، و از یک سال تا سہ

سال جس]

و اگر در بین شان منصبدار باشد [از دہ سال الی

پانزدہ سال جس]

۱۰۰ ہر گاہ یک منصبدار بلا رخصت زیادہ از شش روز

بقطعہ کہ آن منسوب، و یا خدمتیکہ بران مامورست نیاید

و یا اگر از مدت رخصت پانزدہ روز بگذرد [از یک ماہ

تا شش ماہ جس]

اگر این حال در اثنای سفر بری بوقوع آید [از سلک عسکری

طرد، و از شش ماہ تا یک سال جس]

از دوازہ

گاہ

اعلام

این منصب

ب

ب

پراپین

تخصیص

فصل هفتم

(اشیای عسکریه را فروختن و پنهان کردن)

(و گزینیدن، و خریدن و گزینیدن و چیزها)

(فروخته شدن و زودیه شده را دانستن)

(اطلاع ندادن)

۱۰۱- اگر یک نفر نظامی است و یا از اسلحه و جیه خانه و یا یکی از تجهیزات

عسکریه سرکاری از قبیل کمر بند و قبا و خنجر و پشته و خیمه و غیره

بفروشد [اشیای فروخته شده از کسی که خریده است

و پس گرفته میشود، اگر استرداد آن ممکن نباشد همیشه

از وی بقتسم تا او آن گرفته میشود، و همان نفر نظامی که

اشیای فروخته است، از شش ماه تا یک سال حبس]

۱۰۲- کسی که در بسته اشیای عسکری سرکاری را بخرد، و کسی که

فروخته شدن اشیای عسکری سرکاری را دیده پنهان کند

هر یک که باشد [از دو ماه تا یک سال حبس]

(زیر ۵۱)

نظامی عسکری

۱۰۳۔ از قسم البسه و کالابوت، و از همین قبیل اشیاء

عسکریه سرکار را فروختن [از پانزده چوب الی چهل

چوب ضرب]

۱۰۴۔ کسیکه دانسته اینگونه چیز را بخرد، و یا فروخته شدن

آنها دانسته پنهان کند،

در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب الی

چهل چوب ضرب]

و در باره منصبداران و یا یکی از رعایا [از پانزده روز

تا چهل و پنج روز حبس]

۱۰۵۔ جبه خانه و اسلحه و سایر اشیاء را که برای

خدمت عسکریه داده شده باشد بیک طرفه

پنهان کردن،

در باره منصبداران [از چهار ماه تا یک سال حبس]

برای سلاح اندازان [از پانزده چوب الی چهل

چوب ضرب، و از نگاه تاسه ماه حبس]

۱۰۶۔ از البعد ہشتیا کے ساتھ کہ از طرف دولت برآ

خدمت عسکری دادہ شدہ باشند گرو نمودن و

در بارہ منصبہ داران [از نگاہ تاجیل پھر و جس]

و برائے سلاح اندازان [از پانزدہ چوب تاجیل

چوب ضرب]

اگر اسلحہ را گرو نمایند برائے منصبہ داران [از سواد

تاشماہ جس]

برائے سلاح اندازان [از چیل چوب تاشماہ

چوب ضرب]

۱۰۷۔ کسانیکہ اینگونه استیاریا گرو گیرند در بارہ سلاح

اندازان [از پانزدہ چوب الی چیل چوب ضرب]

و بنوایے رعایا و منصبہ داران [از وہ روزا لے

یکماہ جس]

* *

*

فصل هشتم

(سرقت اشیاء و اموال عسکریت)

۱۰۸- هرگاه یک تحویلدار و یا یک نفر نظامی که با اداره محافظه

پول و ذخیره مخصوص اداره عسکری، و بحاسبه

هر نوع اسباب و نقود نفی نظامی مأمور بوده، از

میان آن یک مقدار را بدزدد [بعد از آن ماه، از

سه سال تا ده سال حبس]

هرگاه قیمت آن زیاده تر از پنجاه هزار روپیه باشد،

و یا مال مسروقه عبارت از اسلحه و جواهرات باشد [اعدام]

۱۰۹- اگر دزد مأمور اداره و محاسبه اشیاء و نقود یک در قاعده

فوق ذکر شده باشد [بعد از آن ماه از یک سال تا سه سال

حبس]

اموال و اشیاء عسکریت تحویلی خود را برای منافع

شخصیه خود تجارت و استعمال نمودن [از سه سال تا چهار سال حبس]

۱۱۰ — در خانه یکی از رعایا میمان گردیده، یکی از اسبابها را

خانه صاحب خانه را خفیه گرفتن؛

درباره منصبداران [از سلاک عسکری طرد، و از

یکسال تا سه سال حبس]

برای سلاح اندازان [از بیت چوب الی شصت

چوب ضرب، و از سه ماه تا یکسال حبس]

۱۱۱ — در هر جا و هر موقع که باشد هرگاه یک منصبدار یکی از

اسباب و یا نقود دیگر رفقا را خود، و یا از سلاح

اندازان را بدزدد [بعد از تاوان از سلاک عسکری

طرد میشود، و برای جزای دزدی بمحکمه علیه

سپرده میشود]

۱۱۲ — پنهان سلاح اندازانیکه اشیاء و نقود منصبداران را

بدزدد [بعد از ادا اسر تاوان از سه ماه الی ششماه

حبس، و برای جزای دزدی بنظر انما جزای

عمومی محکوم میشود]

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

اگر اشیای دزدیده شده از نوع اشیای

خسسه باشد [شدیدا توبیخ و تکریر]

۱۱۳- سلاح اندازانیکه پول و دیگر اشیای رفقا

خود را بدزدند [بعد از تادان، از پنجاه تا شصت

چوب ضرب]

۱۱۴- غیر از صورتها نیکه در قاعده های فوق بیان شد

منسوبین نظامی که مرتکب جرایم سرقت عادی گردیده

باشند، بموجب نظامنامه جرایم عمومی مجازات

میشوند.

* *

*

لیست
مخبر غیره
بریده است
نیمیش
نظامی که
[الحسن]
و کسکه
پنهان کند

(۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰)

فصل هفتم

(تاخت و تاراج)

- ۱۱۵- بصورت مسلح و یا غیر مسلح مجتمعاً و علناً دیوارها و دروازه
 ها را شکستارند. و مردم را زیر جوشند گرفته، گدازم
 و از راق و اسب و شیارایغا و تاراج نمون [اعدام]
- ۱۱۶- اگر در میانه پناهاگران یک و یا چند نفر مشوق یا منصبه
 باشند [تنها مشوق و منصبدار را اعدام]
 باقی [از یک سال تا ده سال حبس]
- ۱۱۷- بناهای عسکریه و استحکامات، و قاپرینه
 عسکریه را قصد آتش زدن، و یا به نقب
 پرانیدن [اعدام]
- ۱۱۸- اگر فعلی تخریب بصورت آتش زدن و نقب پرانیدن
 بوقوع نیاید، و به استعمال بعضی آلات مخصوصه
 دیگر واقع شود [اعدام]

۱۱۹- اسباب مدافعه و مهمات حربیه و کدام وجبا خانه و مخزنها

برگزنه لوازمات عسکریه دولت را تخریب نمودن

اقل- در مقابل دشمنی آتش جنگ [اعدام]

دوم- در وقت حصر از یکسال تا سه سال حبس]

۱۲۰- اسلحه و تجهیزات و لوازم عسکریه سرکاری که برای خدمت

عسکریه، برای خودش و سایر نفری نظامی داده شود

باشد، قصداً تخریب نمودن، و یا خود حیوانات سواری و

بار برداری که در خدمات عسکریه از آنها کار گرفته میشود، قصداً

سقوط و تلف کردن:

در باره منصبداران [بعد از تاوان از سلک عسکر

و از شش ماه تا یکسال حبس]

و برای سلاح انداختن

۱۲۱- مسوده نمودن یا کتابها یا یکدیگر

یا تیکه احکام ویران حرب، یا

کردن، و یا سوختاندن یا محو نمودن]

فصل دهم

(ساجیه نگاری نمون در اداره عسکریت)

۱۲۲- آوردن قمری برای برآوردن خواه زیاد از موجود عدد و عسکر و حیوان

و هر دو قمری خرج زیاد از صرفیات واقع اخراجات را

نشان دادن [از سال تا سال ده سال حبس]

۱۲۳- مهر و سلمات و افراط و وفات یکم خدمات عسکر به متعلق

باشد تقلید کردن [از سال تا پنجاه سال حبس]

۱۲۴- مهر و سلمات و افراط و وفات یکم خدمات عسکر به متعلق

دولت و عسکر معینت او کرده بدینجهانی استعمال

تقریباً سال تا ده سال حبس]

و این پنجاه هزار روپیه باشد [اعدام]

* *

*

فصل یازدهم

(بے استقامتی و ارتکاب)

۱۲۵- از فساد بین نظامی براسه راشی و مرثی بر طبق نظامنامه

جزا بر عمومی جزا تجدید میشود، مگر منصبدار مرثی یعنی

رشت و خور بهر حال او منکک عسکری طرد میگردد.

۱۲۶- هرگاه یک طبیب نظامی بدروغ بیماری موجود گفته

عسکری را که بعاینه اشش معین گردیده پنهان، و یا یک

بیماری ناموجودی را به او اسناد نماید [از نشانه]

تا یکسال حبس]

اگر بنا بر رشت و مرکب این

بجز اینکه در حق مرتکب

۱۲۷- جیره مقرری را که براسه

و تبدیل نمودن، و یا به تبدیل

دسته جیره تبدیل و نقصان

نظم

نورده

ما مناسه

از ان

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

نظم

و یا توزیع کنانیدن

در باره منصبداران علاوه بر طرد از سلک عسکری [از

پنجاه تا یکسال حبس]

برای سلاح اندازان [از ششماه تا دو سال حبس]

۱۲۸- و نهشته گوشت حیوانات را که به امراض و علت های

ساریه مبتلایان باشند، بغرض سوء قصد به عسکر تقسیم کردن

و یا تقسیم کنانیدن و نهشته ذخیره و از زاق کننده

و بوسیله و بدو را به عسکر دادن

و به منصبداران [علاوه بر طرد از سلک عسکری

نصایه تا یکسال حبس]

و اندازان [از ششماه تا دو سال حبس]

فصل دوازدهم

(فعل شنیع و عشرت و دیگر حرکات نازیبا محل شان ناموس گری)

۱۲۹- هرگاه فاعل مفعول هر دو از نفس وین نظامی بوده، برضا

و موافقت جانین فعل شنیع بمیدان بیاید [اعدام]

۱۳۰- جبراً اجرا کردن فعل شنیع بایکی از سلاح انگلستان!

جابر [اعدام]

و مجبوراً از منصب اراکان باشد [معاف از خدمت عسکری]

۱۳۱- بایکی از سلاح اندازان در شب بایک اجزای جبری فعل

شنیع بوده ارتکابی و معلول بعضی اسباب از آن

بمقتضای خود بایل نگ

برای منفی

آنها سال حبس

و برای سلاح اندازان

۱۳۲- از نفرینها بر نظامی که سبک کرده

بازی کنند، و یا مانند چرخ و بنگ، و افیون و سجون، و
اشیای ناشسته آورار بنوشند و بکشند و یا بخورند،
هموما از سلک عسکری طرد، و بعدا بموجب نظامنامه
جزای عمومی جزا خواهند دید، و سلاح اندازان
مطروحه بدادن یک عوض مجبور هستند.

۱۳۳- نفرهای نظامیکه بازنگر بازی کنند [برچون نظامنامه]
جزای عمومی جزای خود را می بینند

۱۳۴- کسانی که در ایفا و طیفه خودشان غفلت و اهمال
ورزند و در اجراء هرگونه اوامر یک از طرف آمر

نظامنامه داده میشود مسامحت نمایند، و منصبدارانیکه
نمود، سینه و گریبان شان

موجوده بمحض و سلاح اندازان

بان اوضاع لاابالیا نگرفتار باشند

سپاهی گری و منصبداری نباشد، و یا

یکه بر ماتحت نامه خود انفاذ اوامر نموده

توانند، از طرف مضیداران مافوق خود در اداره جنگ
[از بیست و چهار ساعت الی چهل و پنج روز بجز ایام
نظر بندی و یا حبس ریاضت مجازات میشوند]
فقط کسانی که با وجود دو چار شدن کمره یا گون مجازات
خفیه هم اصلاح حال نموده در صورتیکه دیوان حرب
سپرده شوند، از طرف دیوان حرب در باره شان
جزا است [طرد از سلک عسکری] صادر میشود.
هرگاه در جلا خود ضابطان و یا دسک مشران نیز تخلف
اشخاص باشند، بالا سستیدان از طرف وزیر حرب
جزا است و وضع رتبه در باره شان را که در صورت

*

۱۱۹

فصل سیزدهم

(در این باب از آنکه متعلق به اطباء و جراحان و عطاران است)

۱۳۵ -- طبیبان و جراحان و عطاران را اینک بر سه قصد، بر بیمار

دوا می نمایند مخالف داده موجب موت و وفات

مریض گردند [اندام]

۱۳۶ -- اینچنین یکسره دوا می نمایند مخالف که ببار سه، قصد داده

شد و باشد، هر چند که موجب موت و هلاک مریض

گردید و باعث شدت بیماری و مرض شود

و یا عصاره یا عصاره بر طرد از سنگ

نکته آئیده و ریج یا آب بر لب

یا قتل و شهادت ضعیف

در سال الفی و خیال چنین

و یا جراحان و عطاران را اینک بر سه

مخالف داده، و یا بهر حال در مریض

۱۲۰

۱۲۱